

بررسی ساخت موضوعی اسم فعل ها در چارچوب دستور واژی - نقشی

فردوس آقاگلزاده،^۱ ارسلان گلفام^۲
بهرام هادیان^۳

چکیده

هدف از نگارش این مقاله توصیف ساخت موضوعی اسم فعل ها در چارچوب دستور واژی-نقشی می باشد. نگارندگان در این مقاله به بررسی چگونگی نمود نقش های معنایی یک فعل در ساخت نحوی اسم فعل مشتق از آن فعل که حاصل فرایند اسم سازی هستند، می پردازند. تحلیل داده ها نشان می دهد که اصول انطباق در دستور واژی-نقشی به خوبی پیش بینی می کند که در زبان فارسی نقش معنایی عامل در اسم فعل های متعدی به صورت نقش نحوی متممی و در اسم فعل های لازم در جایگاه عنصر ملکی پس از اسم بازنمایی پیدا می کند، در حالی که نقش معنایی پذیرا و پذیرنده در اسم فعل های متعدی در جایگاه عنصر ملکی بازنمایی

۱. استادیار گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس ferdows@yaho.com

۲. استادیار گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس golfamar@yaho.com

۳. دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه اصفهان bah_hadian@yaho.com

دارد. طبق اصول انطباق نقش معنایی عامل در اسم فعل‌های برگرفته شده از مجهول زبان فارسی می‌تواند به صورت نقش نحوی متممی نمود داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: اسم فعل، ساخت موضوعی، دستور واژی - نقشی، اصول انطباق، نقش‌های نحوی، نقش‌های معنایی

۱. مقدمه

ارتباط بین مشخصه‌های معنایی یک فعل و زیرمقوله‌بندی^۱ آن یکی از مسائلی است که در چهل سال اخیر در زبانشناسی مطرح بوده است. در چارچوب دستور گشتاری فعل‌ها طبق نوع گروه فعلی که در آنها ظاهر می‌شوند طبقه‌بندی می‌شوند (هگمن^۲: ۱۹۹۴: ۴۲). اما یکی از مسائلی که در این زمینه هنوز بحث برانگیز است، رابطه بین ساخت موضوعی یک گروه فعلی با ساخت موضوعی گروه اسمی مشتق از آن گروه فعلی از طریق فرایند اسم‌سازی از گروه فعلی^۳ است. به نظر روپر^۴ (۲۰۰۵) اسم فعل‌ها در تحقیقات زبانشناختی جایگاه مهمی دارند، زیرا نمونه‌ای از ساخت‌هایی هستند که از نظر مقوله^۵ رفتاری دوگانه دارند. این نوع اسم‌ها از نظر رفتار نحوی در جمله مانند اسم رفتار می‌کنند ولی از لحاظ ساخت درونی (ساختواژی) مانند فعل هستند و ساخت موضوعی فعل معادل خود را دارند. به عبارت دیگر این ساخت‌ها از نظر معنایی می‌توانند معنای یک جمله را داشته باشند:

(۱) مغول‌ها شهر را ویران کردند. ویرانی (یا ویران کردن) شهر به دست مغول‌ها

(۲) مادر لباس را دوخت. دوخت (یا دوختن) لباس به دست مادر

-
1. subcategorization
 2. Haegeman
 3. deverbal nominalization
 4. Roeper
 5. category

در دستور واژی-نقشی^۱، ساخت موضوعی^۲ یکی از مهمترین بخش‌های دستور محسوب می‌شود که انطباق دهنده ساخت معنایی با ساخت نحوی^۳ است. برزنن^۴ (۲۰۰۱: ۳۰۴) بیان می‌کند که ساخت موضوعی دو جنبه دارد، جنبه معنایی و جنبه نحوی. از لحاظ معنایی، ساخت موضوعی نمود شرکت‌کنندگان^۵ اصلی در رخداد^۶ یا موقعیتی است که توسط یک محمول^۷ بیان شده است. از لحاظ نحوی ساخت موضوعی نمود کمترین اطلاعات مورد نیاز برای مشخص کردن وابسته‌های نحوی یک هسته است. از جمله مواردی که ساخت موضوعی در آن مطرح است، بررسی رابطه بین موضوعات گروه اسمی برگرفته از یک فعل با نمود آنها در ساخت نحوی و انطباق آنها با نقش‌های تئاتی آن فعل است که نظریه انطباق^۸ در دستور واژی - نقشی به آن می‌پردازد. بدین ترتیب این مقاله به چگونگی نمود نقش‌های معنایی یک فعل در ساخت موضوعی اسم فعل آن در چارچوب نظریه واژی-نقشی می‌پردازد.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات جامعی در زمینه اسم فعل‌ها تا امروز در مورد زبان انگلیسی انجام شده است، مانند چامسکی (۱۹۷۰) که در آن مقاله وی با پرداختن به ساخت اسم‌فعل‌ها و بررسی رفتار نحوی و ساختوازی این ساختها، نظریه گشتاری بودن اشتقاق اسم فعل‌ها را رد می‌کند و فرضیه واژگان‌گرا را مطرح می‌سازد که طبق آن دو نوع فرایند اسم‌سازی از فعل یعنی اسم‌های مختوم به -ing^۹ و اسم‌های مشتق^{۱۰} با یکدیگر متفاوت هستند. به عبارت دیگر وی معتقد است که اسم‌های مشتق به

-
1. lexical- functional Grammar
 2. argument Structure
 3. functional Structure
 4. Bresnan
 5. participants
 6. event
 7. predicate
 8. Mapping Theory
 9. gerundive nominals
 10. derived nominals

کمک فرایندهای واژی از فعل‌های مربوط در واژگان مشتق می‌شوند ولی اسم‌های مختوم به -ing در بخش نحو به کمک گشتارها ساخته می‌شوند. بدین ترتیب یکی از دستاوردهای این مقاله کاستن از نقش گشتارها و توجه بیشتر به نقش واژگان و قواعد واژگانی بود.

گریم‌شاو^۱ (۱۹۹۰) معتقد است اسم فعل‌ها طبقه‌ای همگن را تشکیل نمی‌دهند؛ مثال (۱) نشان می‌دهد که اسم فعل‌هایی مانند examination دارای نوعی ابهام بین خوانش رخدادی^۲ و خوانش نتیجه‌ای^۳ می‌باشند. در مثال (۱) جمله (a) نمونه‌ای از کاربرد این اسم به عنوان اسم رخداد و مورد (b) نمونه‌ای از کاربرد آن به عنوان عبارت ارجاعی است:

1) a. The examination of the patients took a long time.

b. The examination was on the table.

اسپنسر^۴ (۱۹۹۱) معتقد است که اسم فعل‌ها ویژگی‌های زیرمقوله‌ای فعل را به ارث می‌برند و همه موضوع‌های گروه فعلی می‌توانند در گروه اسمی مشتق از آن ظاهر شوند. در مثال (۲) فعل destruct دارای ساخت موضوعی متشکل از یک عامل^۵ و یک پذیرا^۶ است و اسم فعل برگرفته از آن نیز دارای یک عامل و یک پذیراست که به ترتیب به صورت عنصر اضافه قبل از اسم^۷ و گروه حرف اضافه‌ای نمود پیدا کرده است.

2) a. The army destroyed the city.

(agent) (patient)

b. The army's destruction of the city

(agent) (patient)

گریم‌شاو (۱۹۹۰) بیان می‌دارد که در فرایند اسم سازی از گروه فعلی (متعدی)، موضوع داخلی گروه فعلی در گروه اسمی حاصل، ضرورتاً باقی می‌ماند ولی موضوع خارجی آن اختیاری

-
1. Grimshaw
 2. event reading
 3. result reading
 4. Spencer
 5. agent
 6. patient
 7. prenominal possessor

است. به این ترتیب اگر گروه اسمی تنها دارای یک موضوع باشد، آن موضوع دارای نقش معنایی پذیرای گروه فعلی خواهد بود و نمی‌توان آن را به عنوان عامل تفسیر کرد. در غیر این صورت باعث بوجود آمدن ابهام در درک معنای آن گروه اسمی خواهد شد.

3) a. the destruction of the city_(patient) b. the city's destruction_(patient)

d. *the enemy's destruction_(agent) e. *the destruction of the enemy_(agent)

دبیر مقدم (۳۵:۱۳۷۶) معتقد است که زبان فارسی دارای نوعی فرایند «اسم مصدرساز» است که طی آن فعل زمان‌دار جمله در هر زمانی که باشد، به مصدر تبدیل می‌شود و به عنوان هسته در ساخت اضافه واقع می‌شود. در صورتی که فعل مورد نظر متعدی باشد، مفعول صریح آن، در جایگاه وابسته هسته قرار می‌گیرد و اگر فعل لازم باشد، فاعل آن به عنوان وابسته نمایان می‌شود.

۴) الف. علی رفت. ب. رفتن علی

۵) الف. شکارچی آهو را کشت ب. کشتن آهو توسط شکارچی

اگر فعل مورد نظر مرکب باشد، جزء فعلی و فعل مشترکاً به عنوان هسته ساخت اضافه عمل می‌کنند (دبیر مقدم، همان):

۶) الف. علی مینا را دلخور کرد. ب. دلخور کردن مینا توسط علی

۷) الف. علی مینا را تهدید کرد. ب. تهدید کردن مینا توسط علی

۸) الف. بچه‌ها غذا خوردند ب. غذا خوردن بچه‌ها (مثالها عیناً از دبیرمقدم ۳۵:۱۳۷۶ ذکر شده است).

واحدی (۱۹۹۶: ۸۳) معتقد است مصدر در محمول‌های مرکب می‌تواند همچون اسمی ساده نقش آفرینی کند و به عنوان فاعل (۹ الف)، مفعول صریح (۹ ب) و مفعول حرف اضافه‌ای (۹ ج)، ظاهر شود یا دیگر جایگاه‌های مجاز برای حضور اسم‌های واژگانی ساده^۱ یعنی جایگاه‌های

هسته نحوی‌ای را که در آنها هسته، X^0 ، به سطح گروه XP فرافکن می‌شود، اشغال کنند(همان: ۸۵-۸۶).

۹) الف- بوس کردن(بوسیدن) نشانه محبت است.

ب- غذا پختن رُ دوست نداره.

ج- معلمین باید از چوب زدن بچه‌ها خودداری کنند. (واحدی ۱۹۹۶: ۸۳)

۳- دستور واژی-نقشی^۱

اکثر نظریه‌های زبانی مطرح شده بعد از نظریه معیار در میانه دهه هفتاد قرن بیستم و پس از آن سعی داشته‌اند تا تعداد گشتارها را در دستور محدود کنند و نقش آن‌ها را به عهده بخش‌های دیگر دستور قرار دهند، مانند نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی که در آن تنها گشتار حرکت آلفا وجود دارد. دستور واژی-نقشی از این هم فراتر رفته و به وجود هیچ قائده گشتاری معتقد نیست. در این دستور وظیفه گشتارها به عهده بخش واژگان و معنا سپرده شده است. مثلاً نظریه معیار معتقد است که یک جمله مجهول در ژرف‌ساخت از جمله معلوم معادل آن توسط گشتارها مشتق شده است ولی در دستور واژی-نقشی هر فعل معلوم و برابر مجهول آن به دو صورت جداگانه در واژگان قرار دارند و روابط واژگانی بین فعل و وابسته‌های آن در دو ساخت معلوم و مجهول به دو صورت متفاوت و مجزا در واژگان ثبت شده است.

دبیر مقدم (۱۳۸۳: ۵۱۷) به نقل از کاپلان و برزنن خاطر نشان می‌کند که دستور واژی-نقشی اساساً نظریه‌ای است درباره نحو زبان‌های بشر و این نظریه از درون تحقیقات زبانشناسی زایشی، پژوهش‌های رایانه‌ای و روانشناسی زبان جوانه زده است. این دستور از نظریه‌های صورت‌گرای مطرح و دارای طرفدار در زبانشناسی نظری امروز است..

۱. این مقاله اولین تحقیق در چارچوب نظریه واژی نقشی در مورد زبان فارسی می‌باشد، به همین دلیل نگارنده گان مقاله سعی داشته‌اند تا حد امکان به مباحث نظری آن پردازند.

ویژگی اصلی دستور واژی-نقشی ساختاری است با سطوح مستقل و موازی بازنمایی که عبارتند از الف) ساخت معنایی، ب) ساخت نقشی و ج) ساخت سازه‌ای. سلز (۱۹۸۵:۱۳۶) ساخت سازه‌ای در دستور واژی-نقشی را مانند سطح PF در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی می‌داند که دارای ساخت‌هایی مانند گروه اسمی، گروه فعلی و گروه حرف اضافه‌ای است و مشخص‌کننده ویژگی‌های ترتیب سازه‌ای^۱ است که در زبان‌های مختلف متفاوت است. ساخت معنایی شامل فهرستی از نقش‌های تتایی محمول‌هاست. در این بخش اطلاعات ساخت نقشی به یک زبان منطقی یا نمادی تبدیل می‌گردد. در دستور واژی-نقشی، نقش‌های نحوی در سطح ساخت نقشی هستند و با اندکی تفاوت مانند همان نقش‌های دستور سنتی هستند. نقش‌های نحوی اصلی در این دستور از دو نوع نقش‌های نحوی زیرمقوله‌ای^۲ و نقش‌های غیر زیرمقوله‌ای^۳ هستند که نقش‌های زیرمقوله‌ای عبارتند از: فاعل (SUBJ)، مفعول مستقیم (OBJ)، مفعول غیرمستقیم (OBJ_θ)، متممی (OBL_θ) و ملکی (POSS). نقش‌های غیر زیرمقوله‌ای نیز شامل افزوده، مبتدا (Topic) و کانون (Focus) هستند. در دستور واژی-نقشی باید بین نقش‌های تتایی در ساخت معنایی فعل و نقش‌های نحوی در ساخت نقشی که نقش‌های تتا در آن ظاهر می‌شود، انطباق وجود داشته باشد. به عبارت دیگر باید مشخص شود هر کدام از نقش‌های تتا در ساخت نقشی به صورت کدام نقش نحوی است. مثلاً در جمله مجهول نقش معنایی پذیرا به صورت فاعل نمود پیدا می‌کند یا اینکه در جمله معلوم به شکل مفعول بازنمایی می‌شود. از این لحاظ نقش‌های نحوی زیرمقوله‌ای به دو گروه تقسیم می‌شوند: نقش‌های فاعلی و مفعولی را معانامحدود می‌نامند زیرا می‌توانند با نقش‌های معنایی متفاوت همراه شوند. ولی نقش‌های نحوی متممی، مفعول غیرمستقیم و ملکی را معانامحدود می‌نامند زیرا به لحاظ معنایی از تنوع چندانی برخوردار نیستند. اصولی که در دستور واژی-نقشی ارتباط دهنده سطح معنایی با سطح نقش‌های نحوی است، اصول انطباق نامیده می‌شود. ساخت موضوعی سطح میانی ساخت معنایی و ساخت نقشی است و اصول انطباق ساخت نقشی و ساخت

-
1. word order
 2. subcategorizable
 3. nonsubcategorizable

معنایی را به کمک این سطح بر هم منطبق می‌کند. این ساخت شامل موضوع‌های یک محمول است که با یک سری مشخصه‌های محدود برگرفته از ساخت معنایی نشان داده شده‌اند. این مشخصه‌ها عبارتند از $[\pm \text{objectlike}]$ یا $[\pm \text{o}]$ و $[\pm \text{restricted}]$ یا $[\pm \text{r}]$.
 ”مشخصه‌های موضوعی $[\pm \text{o}]$ و $[\pm \text{r}]$ محدودکننده حالت‌هایی هستند که نقش‌های معنایی (تثابی) به نقش‌های موضوعی (فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم و ...) در ساخت نقشی مرتبط می‌شوند“ (برزن، ۲۰۰۱: ۳۰۸). همان‌طور که ذکر شد ساخت موضوعی در دستور واژی-نقشی، واسط بین ساخت معنایی و ساخت نقشی بوده و ارتباط دهنده این دو سطح است. برزن (همانجا) برای انطباق بین ساخت موضوعی و ساخت نقشی نمودار (۱۰) را طرح می‌کند:

(10)

	-r	+r
-o	SUBJ	OBL θ
+o	OBJ	OBJ θ

فاعل : $[-r, -o]$ مفعول مستقیم : $[-r, +o]$ مفعول غیر مستقیم : $[+r, +o]$ مفعول متممی : $[+r, -o]$

فاعل و مفعول مستقیم می‌توانند بیان‌کننده هر نوع نقش معنایی باشند. مثلاً فاعل هم می‌تواند نمود نقش معنایی عامل باشد (مثال 11a) و هم اینکه در جمله‌های مجهول (مانند 11b) محل بازنمایی نقش معنایی پذیرا باشد.

- (11) a. John killed Jim. (agent SUBJ)
 b. Jim was killed. (patient SUBJ)
 c. He fantasized. (experiencer SUBJ)
 d. He fell down. (theme SUBJ)

نقش متممی و مفعول غیر مستقیم $[+r]$ (معنا محدود) هستند، زیرا این دو نقش نحوی فقط می‌توانند با یک نقش معنایی خاص مرتبط شوند (کروگر ۲۰۰۴: ۲۰).

12) a. John gave the book to Mary. (beneficiary OBL₀)

b. John gave Mary the book. (beneficiary OBJ₀)

به علاوه در دستور واژی-نقشی سلسله مراتب اولویت نقش‌های تتایی مطرح شده است. نمودار (۱۳) نشان دهنده اولویت انطباق این نقش‌ها است.

(۱۳) اولویت انطباق نقش‌های تتایی (همان: ۳۰۷)

agent > experiencer > theme > goal

برزن (همان: ۳۰۹) پایه انطباق موضوع‌ها بر نقش‌ها را نقش‌های تتایی می‌داند. در زیر قاعده‌هایی که برای انطباق نقش‌های تتایی با ساخت موضوعی از طرف فالک (۲۰۰۱: ۱۰۷) مطرح شده، بیان می‌شود:

(۱۴) قاعده انطباق ساخت معنایی با ساخت موضوعی در نظریه انطباق

الف) پذیرا و پذیرنده با [-I] منطبق هستند.

ب) بقیه نقش‌های معنایی با [-O] منطبق هستند.

انطباق پذیرا و پذیرنده با [-I] در قاعده (۱۴) نشان‌دهنده این واقعیت است که پذیرا و پذیرنده بین فاعل و مفعول در تناوب هستند، بدین معنا که این دو نقش تتایی یا با فاعل و یا با مفعول منطبق هستند. (سویکی و اسپنسر، ۲۰۰۴: ۲۱۳) در ساخت‌های زیر مشخصه‌های نحوی طبق اصول ذکر شده در بالا تعیین شده‌اند.

sing < agent >

[-o]

fall < theme >

[-r]

kick < agent theme >

[-o] [-r]

come < theme location >

[-r] [-o]

place < agent theme location >

[-o] [-r] [-o]

اکنون اصول انطباق موضوع‌ها در ساخت موضوعی با نقش‌ها در ساخت نقشی به ترتیب زیر است.

(۱۵) قاعده انطباق ساخت موضوعی با ساخت نقشی (فالک ۲۰۰۱: ۱۰۸)

الف) موضوع [-O] که بالاترین موضوع است با فاعل منطبق است .

ب) در غیر این صورت [-r] با فاعل منطبق است.

ج) بقیه موضوع ها با نقش نحوی متناسب منطبق می شوند (به طوری که فقط مشخصه های مثبت جمع شود).

به علاوه در دستور واژی - نقشی دو محدودیت در انطباق وجود دارد:

۱- تناظر یک به یک نقش - موضوع^۱:

هر موضوع فقط و فقط باید با یک نقش نحوی و هر نقش نحوی فقط و فقط با یک موضوع منطبق باشد.

۲- شرط فاعل^۲:

هر محمول باید یک فاعل داشته باشد (برزنن ۲۰۰۱:۳۱۱).

برای توضیح بیشتر در مورد این اصول و محدودیت ها به مثال های زیر توجه کنید:

ساخت معنایی فعل break در مثال (۱۶) آمده است. در این مثال ساخت موضوعی فعل break

دارای دو نقش معنایی است که به ترتیب برابرند با عامل و پذیرا.

(16) agent < break : ساخت معنایی / ساخت نقش های تا patient >

ساخت موضوعی : [-o] [-r]

به این ترتیب، اصول انطباق پیش بینی می کند که طبق مثال (۱۷) عامل و پذیرا در ساخت معنایی به

ترتیب با فاعل و مفعول مستقیم در ساخت نقشی انطباق دارند.

(17) agent < break : ساخت معنایی / ساخت نقش های تا patient >

ساخت موضوعی : [-o] [-r]

ساخت نقشی : S O

1. Function-Argument Bi-uniqueness

2. The subject Condition

در اینجا اصل تناظر یک به یک مانع از این می‌شود که ویژگی [-o] با نقش معنایی پذیرا منطبق شود، زیرا در غیر این صورت، این عبارت دارای دو فاعل خواهد بود و نقش معنایی پذیرا باید با ویژگی [+o] مشخص شود که در نتیجه با مفعول مستقیم منطبق می‌شود (سویکی و اسپنسر، ۲۰۰۴).

در ساخت موضوعی اسم فعل‌های عنصر اضافه‌ای که با of بعد از اسم بیان می‌شود (of-phrase) را با POSS (ملکی) و نقش دستوری عبارت حرف اضافه‌ای (by-phrase) را با OBL_θ (متممی) نشان می‌دهند (فالکک ۲۰۰۱).

destruction [of the city] POSS [by enemy] OBL_θ

اسم فعل‌ها حداقل دارای یک نقش [-r] هستند که از نظر نقش تتایی غیرمحدود است و معمولاً برابر با گروه حرف اضافه‌ای of-phrase است (فالکک ۲۰۰۱) و (لاکز کو^۱ ۲۰۰۰). مهمترین دلیلی که باعث شده عبارت of-phrase را [-r] بدانند این است که نه تنها با نقش معنایی پذیرنده (مثال بالا) بلکه با نقش‌های معنایی عامل و تجربه‌گر^۲ نیز می‌تواند منطبق باشد (مثال ۱۸).

- 18) a. The attack [of the enemy_{agent}]_{GF-2} against the city is still going on.
b. The admiration [of my sister_{experiencer}]_{GF-2} for Picasso
اما عبارت اضافی by-phrase از لحاظ نقش تتایی محدود [+r] است.

اصول انطباق برای ارتباط بین ساخت معنایی و ساخت نقشی از طریق ساخت موضوعی به این ترتیب است که انطباق از ساخت معنایی به ساخت موضوعی همان اصول انطباق ساخت معنایی با ساخت موضوعی فعل است. اما برای انطباق از ساخت موضوعی به ساخت نقشی در اسم فعل‌ها باید قاعده معادل آن در ساخت فعل‌ها را از دو جنبه تغییر داد: اول، به جای «فاعل» باید «ملکی» جایگزین شود. دوم، بندهای (الف) و (ب) در آن اصل باید جابجا شوند (لکز کو^۳ ۲۰۰۰ نقل شده در ماینشافر^۳ ۲۰۰۶).

1. Laczko
2. experiencer
3. Meinshaefer

۱۹) قاعده انطباق ساخت موضوعی با ساخت نقشی در اسم‌ها
الف) موضوع [-r] با نقش نحوی ملکی (POSS) منطبق است.
ب) در غیر این صورت [-o] که بالاترین موضوع است با نقش نحوی ملکی (POSS) منطبق می‌شود.

ج) بقیه موضوع‌ها با نقش نحوی متناسب منطبق می‌شوند (به طوری که فقط مشخصه‌های مثبت جمع شود).

همان‌طور که در مثال (۲۰) دیده می‌شود قاعده‌های انطباقی (۱۹) نتیجه درستی برای ساختی مانند (۲۰) به دست می‌دهد.

20) The destruction [of the city_{theme}]POSS [by the army_{agent}]OBL_θ is still going on.

ساخت معنایی:	<agent	theme>
ساخت موضوعی:	[-o]	[-r]
ساخت نقشی:	OBL _θ	POSS
ساخت سازه‌ای:	[by the army] _{PP}	[of the city] _{PP}

۴- ساخت موضوعی اسم فعل‌ها در زبان فارسی

اسم فعل‌ها از نظر معنایی به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول اسم فعل‌هایی هستند که دارای خوانش رخدادی هستند و به رخداد یا عملی اشاره می‌کنند. این گونه اسم فعل‌ها می‌توانند دارای ساخت موضوعی باشند، اما بعضی از اسم فعل‌ها بیانگر رخداد یا عملی نمی‌باشند، بلکه نشان‌دهنده شیء یا وضعیت حاصل شده توسط آن رخداد هستند. این گونه اسم فعل‌ها قادر به داشتن ساخت موضوعی نیستند.

یکی از ویژگی‌هایی که گریم شاو (۱۹۹۰: ۴۶-۵۹) برای اسم فعل‌های دارای خوانش رخداده مطرح می‌کند، کاربرد آنها با صفات مداوم^۱ و مکرر^۲ است. نگارندگان از همین روش برای

1. constant
2. frequent

مشخص کردن اسم فعل‌های رخدادی در فارسی استفاده می‌کنند. به این ترتیب در این مقاله به بررسی اسم‌فعل‌هایی پرداخته می‌شود که خوانش رخدادی دارند زیرا می‌توانند ساخت موضوعی بگیرند.

در حالی که می‌توان اسم فعل‌ها رخدادی را با صفات "مداوم" و "مکرر" بیان کرد (مانند مثال ۲۱)، اسم فعل‌هایی را که دارای خوانش اسم نتیجه هستند نمی‌توان با این صفات بیان کرد (مانند مثال‌های ۲۲):

(۲۱) پختن / پخت مکرر غذا باعث خراب شدن آن می‌شود.

تراشیدن / تراش مداوم آن قطعه باعث کوچک شدن آن شد.

پرهیز کردن / پرهیز مداوم از گناه کار سختی است.

(۲۲) *بند مکرر، *پیچ مداوم، *جوش مداوم (اسم‌فعلها در این داده‌ها دارای خوانش اسم نتیجه^۲ می‌باشند و به همین دلیل با صفت‌های مورد نظر ترکیبی بدساخت می‌سازند.)

۴-۱- بازنمایی نقش‌های معنایی پذیرا و پذیرنده

همان‌طور که ذکر شد به اعتقاد دبیرمقدم (۱۳۷۶: ۳۵) در مصدرهایی که فعل معادل آنها متعدی است مفعول در جایگاه وابسته هسته اضافه نمود پیدا می‌کند و در صورتی که فعل معادل لازم باشد، این فاعل است که در جایگاه وابسته هسته اضافه قرار می‌گیرد. نگارندگان در این پژوهش آنچه را که دبیرمقدم وابسته هسته اضافه می‌نامد، به‌خاطر هماهنگی با دستور واژی-نقشی، عنصر ملکی بعد از اسم می‌نامند. در حالت بی‌نشان مفعول در دستور سنتی معادل نقش‌های معنایی پذیرا، پذیرنده و تجربه‌گر است. پس می‌توان گفت که به اعتقاد دبیرمقدم نقش‌های معنایی پذیرا، پذیرنده و تجربه‌گر^۳ در زبان فارسی در جایگاه عنصر ملکی بعد از اسم بازنمایی دارند.

۱. علامت ستاره در این مقاله به معنی بدساختی آن داده می‌باشد.

۲. مانند ترکیب‌های: بند کفش، پیچ آهنی،

۳. patientlike طبق برزنن ۲۰۰۱

حال به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا اصول انطباق مطرح شده توسط لکزکو (۲۰۰۰) برای اسم فعل‌ها، می‌تواند این مطلب را پیش‌بینی کند که محل بازنمایی این سه نقش معنایی در زبان فارسی عنصرملکی بعد از اسم است؟

۴-۱-۱- بازنمایی نقش‌های معنایی پذیرا و پذیرنده در ساخت‌های معلوم

در این بخش به بازنمایی نقش‌های معنایی پذیراگونه^۱ یعنی پذیرا و پذیرنده یا تجربه‌گر در اسم فعل‌هایی که فعل معادل آنها معلوم است، پرداخته می‌شود. مغولان شهر را ویران کردند.

ساخت معنایی: ویران کردن < agent patient >
 اصل انطباق نقش‌های معنایی با ساخت موضوعی در اسم فعل‌ها همانند اصول انطباق این دو سطح در فعل‌ها است. پس طبق قاعده (۱۴) در ساخت معنایی ابتدا پذیرا یا پذیرنده با مشخصه [-r] منطبق می‌شود و بقیه نقش‌های معنایی با [-o] منطبق می‌شوند.

ساخت معنایی: ویران کردن < agent patient >
 ساخت موضوعی: [-o] [-r]
 برای انطباق ساخت موضوعی با ساخت نقشی بنابر اصول مطرح شده برای انطباق در اسم فعل‌ها ابتدا موضوع [-r] با عنصرملکی (Poss) منطبق می‌شود.

ساخت معنایی: ویران کردن < agent patient >
 ساخت موضوعی: [-o] [-r]
 Poss

1. patientlike

به این ترتیب اصول انطباق پیش‌بینی می‌کنند که ابتدا عنصر اضافه با نقش معنایی پذیرا منطبق می‌شود که در نتیجه ساخت زیر حاصل می‌شود.

ویران کردن [شهر پذیرا] عنصر ملکی

همان‌طور که دیده می‌شود در زبان فارسی بازنمایی نقش‌های معنایی پذیرا و پذیرنده اجباری است و جزء لاینفک ساخت موضوعی اسم فعل‌هایی می‌باشد که فعل معادل آنها متعدی است و بدون بازنمایی نحوی این نقش‌های معنایی، معنی رخدادی این اسم فعل‌ها ناقص است:

ویران کردن شهر، خوردن غذا، ساختن خانه، بخشش گنجهکاران

* خوردن، * بخشش، * پختن (معنی رخدادی این اسم فعل‌ها به علت نداشتن نقش معنایی پذیرا و پذیرنده ناقص است).

۴-۱-۲- بازنمایی نقش‌های معنایی پذیرا و پذیرنده در ساخت‌های مجهول

ساخت مجهول فعل‌ها نیز در زبان فارسی می‌توانند در فرایند ساخت اسم از فعل شرکت کرده و اسم فعل داشته باشند.

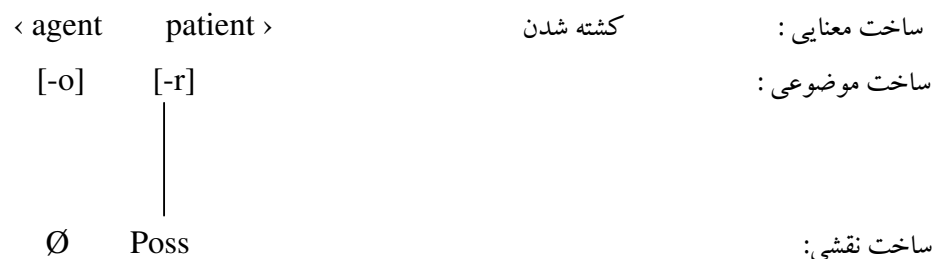
علی کشته شد. ← کشته شدن علی

البته همان‌طور که در فصل قبل گفته شد در دستور واژی-نقشی مجهول یک فرایند تغییر ظرفیت است که طی آن ساخت موضوعی فعل تغییر می‌کند و مانع از نمود بالاترین نقش معنایی (در اینجا عامل) می‌شود.

ساخت معنایی و ساخت موضوعی اسم فعل کشته شدن عبارت است از:

< agent	patient >	کشته شدن	ساخت معنایی :
[-r]	[-o]		

طبق قاعده انطباق ساخت موضوعی با ساخت نقشی در اسم‌ها یعنی قاعده (۱۹) ابتدا عنصر [-r] با عنصر اضافه مرتبط می‌شود.

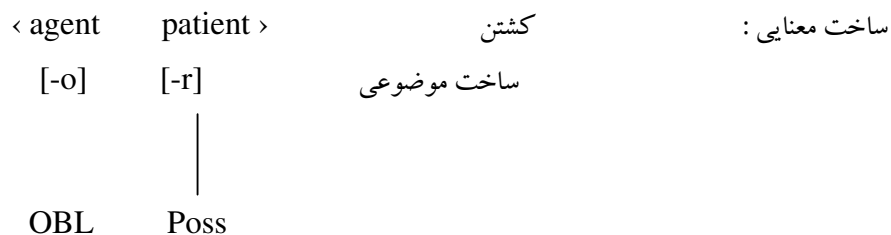


کشته شدن [علی پذیرا] عنصرملکی

در زبان فارسی در اسم فعل‌های متعدی نیز عامل می‌تواند به صورت گروه حرف اضافه ای بازنمایی شود.

کشتن علی توسط دشمن

بنابر بند ج (۱۹) بعد از اینکه موضوع [-r] با عنصرملکی منطبق شد، موضوع [-o] باید با یک نقش نحوی مرتبط شود که دارای ویژگی [+r] است. در بین نقش‌های نحوی، نقش نحوی متممی (OBL) دارای مشخصه‌های [-o] و [+r] است.



کشتن [علی پذیرا] [توسط دشمن عامل] متممی

۲-۴- بازنمایی نقش معنایی عامل

در زبان فارسی نمود فاعل در اسم فعل‌هایی که از فعل لازم گرفته شده‌اند با بازنمایی فاعل در اسم فعل‌هایی که از فعل متعدی گرفته شده‌اند، تفاوت دارند.

۱-۲-۴- بازنمایی نقش معنایی عامل در اسم فعل‌های لازم

دبیرمقدم (همان) جایگاه بازنمایی فاعل را در اسم فعل‌های برگرفته از فعل لازم، جایگاه عنصر ملکی می‌داند.

علی به خانه رفت. ← رفتن علی به خانه

ساخت معنایی: رفتن < theme location >

ساخت معنایی اسم فعل رفتن دارای دو نقش معنایی پذیرنده و مکان است. طبق بند الف از قاعده (۱۴) ابتدا نقش معنایی پذیرنده با موضوع [-r] منطبق می‌شود و سپس نقش معنایی مکان با موضوع [-o] مرتبط می‌شود.

ساخت معنایی: رفتن < theme location >

سپس بنا بر قاعده انطباق ساخت موضوعی با نقش‌های نحوی ابتدا موضوع [-r] با نقش نحوی عنصر ملکی منطبق می‌شود و سپس موضوع [-o] طبق بند (ج) آن قاعده با نقش نحوی مرتبط می‌شود که دارای ویژگی [+r] باشد یعنی نقش نحوی متممی.

ساخت معنایی رفتن < theme location >

:



رفتن [علی پذیرنده] عنصر ملکی [به خانه مکان] متممی

در اسم فعل‌هایی که از فعل لازم ساخته می‌شوند، بازنمایی نحوی نقش معنایی عامل اجباری است و بدون آن معنی رخدادی این اسم فعل‌ها ناقص است.

۲-۲-۴- بازنمایی نقش معنایی عامل در اسم فعل‌های متعدی

صادقی (۲۸:۱۳۷۰) معتقد است که در مصدرهای متعدی فاعل، به کمک حرف اضافه بعد از مفعول که با کسره به آنها ملحق شده قرار می‌گیرد. مانند:

حاکم دستور کشتن مردم را به دست مزدوران خود صادر کرد. ← کشتن مردم به دست مزدوران
ساخت معنایی: کشتن <agent patient>

ساخت معنایی اسم فعل کشتن از یک عامل و یک پذیرا تشکیل شده که طبق اصول انطباق
ابتدا نقش معنایی پذیرا با موضوع [-r] منطبق می‌شود و سپس نقش معنایی عامل با موضوع [-o]
مرتبط می‌شود.

ساخت معنایی: کشتن <agent patient>

[-o] [-r]

و بنابر قاعده انطباق ساخت موضوعی با نقش‌های نحوی، ابتدا موضوع [-r] با نقش نحوی
عنصرملکی منطبق می‌شود و سپس موضوع [-o] با نقش نحوی ای مرتبط می‌شود که دارای
ویژگی [+r] باشد یعنی نقش نحوی متممی.

ساخت معنایی: کشتن <agent patient>

[-o] [-r]

ساخت موضوعی:

OBL Poss

[+r]

ساخت نقشی:

کشتن [مردم پذیرا] عنصرملکی [به دست مزدوران عامل] متممی

۵- نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی ساخت موضوعی اسم فعل‌ها در زبان فارسی در چارچوب دستور
واژی-نقشی پرداخته شد. همان‌طور که بیان شد، همهٔ مصدرها در زبان فارسی می‌توانند دارای
ساخت موضوعی باشند، اما بعضی از اسم‌های مصدر و اسم‌های حاصل از تبدیل ستاک فعل دارای
خوانش رخدادی هستند و می‌توانند ساخت موضوعی داشته باشند. در حالی که بعضی دیگر
خوانش اسم نتیجه دارند و نمی‌توانند ساخت موضوعی بگیرند. به علاوه عنوان شد که نقش‌های
معنایی فعل در اسم فعل معادل فقط به دو شکل عنصرملکی بعد از اسم و گروه حرف اضافه‌ای در

ساخت نحوی تظاهر می‌یابد. دیدیم که اصول انطباق در دستور واژگی-نقشی توانایی پیش بینی این را دارد که در زبان فارسی عامل در اسم فعل‌های متعدی به صورت نقش نحوی متممی و در اسم فعل‌های لازم در جایگاه عنصر ملکی پس از اسم بازنمایی پیدا می‌کند. در حالی که نقش معنایی پذیرا و پذیرنده در اسم فعل‌های متعدی در جایگاه عنصر ملکی بازنمایی دارد. طبق اصول انطباق نقش معنایی عامل در اسم فعل‌های برگرفته شده از مجهول زبان فارسی می‌تواند به صورت نقش نحوی متممی نمود داشته باشد.

منابع

دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶) «فعل مرکب در زبان فارسی»، *مجله زبان‌شناسی*، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۲۶-۲. دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳) *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران، انتشارات سمت.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۰) *شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۳)*، تهران، نشر دانش، س ۱۲، ش ۱، ص ۲۸-۳۳.

Bresnan, J. (2001) *Lexical-Functional Syntax*, Oxford, Blackwell.

Chomsky, N. (1970) Remarks on nominalization. In: Jacobs, R., Rosenbaum, P. (Eds.), *Readings in English Transformational Grammar*. 184-221, Ginn, Waltham.

Falk, Y.N. (2001) *Lexical-Functional Grammar: An introduction to parallel constraint-based syntax*, Stanford, CSLI.

Grimshaw, J. (1990) *Argument Structure*, Cambridge, MIT Press.

Haegeman, L. (1994) *Introduction to Government and Binding Theory*. Oxford, Blackwell, 2nd ed.

Kroeger, P. (2004) *Analyzing Syntax: A lexical-functional Approach*. Cambridge, University Press.

Laczko, T. (2000) Derived Nominals, Possessors, and Lexical Mapping Theory, *Argument Realization*, Butt, M. and King, T.H. (eds), 189-227. Stanford: CSLI.

- Roeper, T. (2005) Chomsky's Remarks and the Transformationalist Hypothesis, In, R. Lieber and P. Stekauer (eds.), *Handbook of English Word-Formation*. 125-146, Kluwer, Dordrecht.
- Sells, P. (1985) *Lectures on Contemporary Syntactic Theorie*, Stanford, Center for the Study of Language and Information.
- Spencer, A., & Zwicky, A. (2004) *The Handbook of Morphology*, Blackwell.
- Spencer, A. (1991) *Morphological Theory*, Blackwell.
- Vahedi, M. (1996) *Definiteness Effect in Complex Predicates of modern Farsi*. PhD Thesis. University of Ottawa.

